



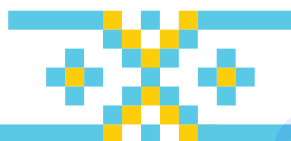
کلیه حقوق این اثر مربوط به بنیاد بین المللی آفاق است و هرگونه کپی برداری و استفاده رایگان شرعاً حرام است
جهت تهیه این محصول به سایت زیر مراجعه نمایید.

afagh۲۱۳.ir



مجموعه آموزش ترجمه و
مفاهیم صحیفه سجادیه

سطح متوسطه

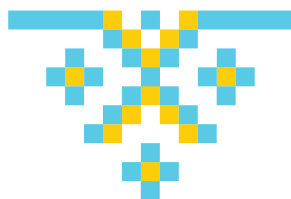


سکاکه مکمله



جلد اول

گروه تدوین متون آموزش
ترجمه و مفاهیم صحیفه سجادیه



مقابله به مثل، هرگز!

﴿۱۰﴾ فَهُمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ

وَأَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ

وَأَعْظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ

مِنْ أَنْ أَقَاصِمَهُمَا بِعَدْلِ

أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلٍ

أَيْنَ إِذَا يَا إِلَهِي

طَوْلٌ شَغَلِيهِمَا بِتَرْبِيَّتِي

وَأَيْنَ شِدَّةٌ تَعْبِيهِمَا فِي حِرَاسَتِي

﴿۱۰﴾ زیرا حق آنان بر من واجب تر

و نیکیوی آنان به من دیرینه تر

و نعمت سنگین آنان بر من بزرگ تر از آن است

که آنان را بر پایه عدل، قصاص کنم

یا آنان را با کفیری همانند، مجازات کنم!

در آن صورت - ای معبود من - کجا می رود

زمان درازی که به پرورش من پرداختند؟!

و کجا می رود خستگی شدیدی که برای حفاظت از من

تحمل کردند؟!

و کجا می رود تنگنایی که بر خود تحمیل کردند تا من

در فراخی باشم؟!

وَأَيْنَ إِفْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسِيهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ

﴿۱۱﴾ هرگز! آن دو حق خود را از من کامل نخواهند ستاند!

(حق آنان چنان بزرگ است که این امر نشدنی است!)

و من به ادای آنچه درباره آنها بر من واجب است،

دست نخواهم یافت!

و من اداکننده وظیفه خدمتگزاری آنان نخواهم بود!

(چنان سنگین است که از عهده اش بر نمی آیم!)

﴿۱۱﴾ هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا

وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا

وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيْفَةَ خِدْمَتِيهِمَا

پس به محمّد و خاندانش توجه مهرورزانه فرما
 و یاری ام کن ای بهترین کسی که از او یاری طلبند
 و توفیقم ده ای راه‌نماینده‌ترین کسی که به او روی آورند
 و مرا در زمره آزارندگان پدران و مادران قرار مده
 در روزی که «هرکس به آنچه کرده جزا داده شود
 و به آنان ستم نشود.»

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَأَعِنِّي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتُعِينَ بِهِ
 وَوَقِّفْنِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ
 وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ
 يَوْمَ «تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
 وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»

نمایی از دعا

در صورتی که پدر و مادرمان با ما بدرفتاری کنند،
 آیا سزااست در درگاه الهی آنان را به میز محاکمه بکشانیم و در صدد مقابله به مثل برآییم؟
 آیا شدنی است حق پدران و مادرانمان را به شکل کامل ادا کنیم؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

أَجَازِي	أَقَاصَ	أَعْظَمَ	أَقْدَمَ	أَوْجِبَ
أَعْنِي	مَا يَسْتَوْفِيَانِ	هَيْهَاتَ	إِقْتَارَ	تَعَبَ
أَفْضَلَ	كَسَبَتْ	تُجْزَى	أَهْدَى	خَيْرَ

شرح واژگان

شرح	معنا	کلمه
<p>ماده «درک» به معنای رسیدن چیزی به چیز دیگر است. این ماده در باب افعال (ادراک) به معنای رسیدن و دست یافتن به کار می‌رود. ادراک در زبان فارسی معمولاً به معنای فهمیدن است ولی ظاهراً در آیات و روایات به همان معنای اصلی (رسیدن) به کار رفته است.</p>	<p>نمی رسم؛ دست نمی یابم</p>	<p>لَا أَدْرِكُ</p>
<p>ماده «وظف» به معنای اندازه تعیین کردن برای چیزی است. به رزق یا عملی که در هر روز برای انسان معین شده، «وَضِيفَةٌ» گفته می‌شود. به کارمندان «مُؤَطَّف» گفته می‌شود؛ چراکه کار و وظیفه روزانه معینی برای انجام دادن دارند.</p>	<p>وظیفه معین</p>	<p>وَضِيفَةٌ</p>
<p>ماده «وفق» به معنای وفق و سازگاری میان دو چیز است. «وَفَّقَ» فعل امر از باب تفعیل است و وقتی فاعل آن «الله» باشد به معنای توفیق دادن است؛ یعنی تقدیرکردن و فراهم و سازگار نمودن شخص و امور برای انجام کاری. در قرآن از زبان حضرت شعیب می‌خوانیم: ﴿وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ (هود: ۸۸)؛ «و توفیق من جز با خدا نیست، تنها بر او توکل کردم و تنها به درگاه او رو می‌آورم.»</p>	<p>توفیق ده؛ موفق کن</p>	<p>وَفَّقَ</p>

شرح دعا

■ نمایش قدرشناسی ■

در فراز پایانی درس پیشین، به برخی از بدی‌های احتمالی که ممکن است از سوی والدینمان به ما رسیده باشد، اشاره و به پروردگاران اعلام کردیم هیچ دادخواستی علیه آنان به دادگاه او نیاورده‌ایم و نسبت به همه آنها از پیش رضایت داده‌ایم. در فرازهای این درس می‌خواهیم بیشتر در این باره با پروردگاران رازگویی کنیم تا قدرشناسی خود را زیباتر به نمایش بگذاریم؛ می‌خواهیم به پروردگاران بگوییم چرا با کمال میل از بدرفتاری‌های والدینمان می‌گذریم و آنان را به دادگاه عدل او فرامی‌خوانیم. می‌خواهیم نشان دهیم که می‌دانیم پدران و مادرانمان چنان حقی بر ما دارند که ما هرگز از عهده آن بر نمی‌آییم.



■ قصاص یا کیفر، هرگز! ■

هر ستم‌دیده‌ای حق دارد از کسی که به او ستم کرده، به دادگاه شکایت کند و قصاص یا کیفر او را خواهان شود.

اکنون که سخن از ستم‌های پدران و مادرانمان در حق ما فرزندان است، می‌خواهیم ببینیم آیا سزاست از حق ستم‌دیدی خود استفاده کنیم و آنان را به دادگاه الهی بکشانیم تا:

• یا بر پایه عدل، آنان را **قصاص** کنیم (أَنْ أَقَاصَهُمَا بِعَدْلِ)؛ یعنی از دادگاه الهی تقاضا کنیم به ما اجازه بدهد **بلایی از جنس آنچه بر سرمان آورده‌اند** بر سرشان آوریم؛ مثلاً اگر به ما سیلی زده‌اند به آنان سیلی بزنییم.

• یا با **مجازات** همانند و متناسب با آنچه کرده‌اند، آنان را کیفر کنیم (أَوْ أُجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلِ)؛ یعنی در مواردی که قصاص معنا ندارد، از دادگاه الهی تقاضا کنیم به ما اجازه دهد کیفری برای آنان برگزینیم که شدت آن متناسب با کاری که کرده‌اند باشد هرچند از جنس آن کار نباشد؛ مثلاً اگر در تربیت ما کوتاهی کرده‌اند، آنان را به زندان افکنیم.

آیا به‌راستی سزاست خواهان قصاص یا کیفر پدران و مادرانمان شویم؟ پاسخ روشن است: «هرگز!» کافی است امور زیر را به یاد آوریم، تا این پاسخ روشن را تصدیق کنیم:

۱. میزان وجوب حقی که بر گردن ما دارند (فَهُمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَيَّ)

از امام باقر علیه السلام روایت شده: «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَكُمْ لِأَخِي فِيهِمْ رُحْصَةً آدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ؛ سه امر است که خدا تعالی به هیچ‌کس اجازه مخالفت با آنها را نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدکار؛ وفای به عهد در برابر نیکوکار و بدکار؛ نیکی به پدر و مادر، خواه نیکوکار باشند خواه بدکار!» (الکافی، ۱۶۲/۲)

۲. سابقه نیکی و احسانی که به ما کرده‌اند (وَ أَقْدَمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ)

پدران و مادران ما از همان آغاز زندگی که هیچ کاری از ما بر نمی‌آمد، به امور ما رسیدگی کرده‌اند و هوای ما را داشته‌اند؛ این سابقه نیکی، واقعاً چشمگیر است!

۳. بزرگی نعمتی که از سوی آنان به ما رسیده است (وَ أَعْظَمُ مَنَّةً لَدَيَّ)

پدران و مادران برای ما کاری کرده‌اند که هیچ‌کس نکرده است: مانند چشمانشان از ما محافظت کرده‌اند و همچون باغبانانی مهربان اسباب رشد و بالیدن ما را برابیمان فراهم آورده‌اند. چه کسانی را جز آن دو سراغ داریم که چنین خدماتی به ما ارزانی کرده باشند آن هم کاملاً رایگان!



■ گذشته‌ای که از یاد نبرده‌ایم ■

می‌خواهیم به پروردگاران بگوییم بی‌انصاف نیستیم. آخر چگونه می‌توانیم در فکر انتقام از پدران و مادرانمان باشیم؟! آنان همه چیزشان را به پای ما ریخته‌اند: عمرشان، آسایششان، امکاناتشان! مگر دلمان را از سنگ ساخته‌اند که در برابر آن همه خوبی نرم نشود؟! مگر می‌شود یادمان برود:

۱. زمان درازی را که به پرورش ما پرداخته‌اند (أَيُّنَ إِذَا - يَا إِلَهِي - طَوْلُ شُغْلِهِمَا بَتْرِيَّتِي)

به‌ویژه در سال‌های آغازین زندگی که تقریباً هیچ نیازی را نمی‌توانستیم از خود بر طرف کنیم، آنان ساعت‌های فراوانی از عمرشان را وقف ما و نیازهایمان کردند و ما را آهسته و پیوسته پروراندند تا زمانی که توانستیم روی پای خودمان بایستیم و نیازهایمان را خود برآورده کنیم. گیریم که آنان در پاره‌ای از وظایفشان در قبال ما کوتاهی کرده یا ستمی در حق ما روا داشته‌اند، اگر آنان را کیفر یا قصاص کنیم، آن زمان درازی که مشغول پرورش ما بودند، کجا می‌رود؟! آیا می‌توانیم آن عمری را که به پای ما ریختند، نادیده بگیریم؟!

۲. خستگی شدیدی را که در راه حفاظت از ما به جان خریده‌اند (وَ أَيْنَ شِدَّةَ تَعْيِهِمَا فِي حِرَاسَتِي)

گرچه دوران نوزادی و کودکی خود را به یاد نمی‌آوریم، اما کافی است نگاهی به نوزادان و کودکان پیرامون خود بیندازیم تا دریابیم که در این دوران چقدر آسیب‌پذیر بوده‌ایم: نه جسم توانایی داشته‌ایم که در برابر آسیب‌ها دوام آوریم و نه عقل پخته‌ای که خود را از آسیب‌ها دور نگه داریم!

چگونه از آن همه خطر جان سالم به در برده‌ایم؟! مگر جز این است که در لحظه‌های حساس و پرمخاطره، آن دو مراقب دلسوز در کنار ما بوده‌اند و از ما محافظت کرده‌اند؟! چگونه می‌توانیم به انتقام از آنان بیندیشیم؟! پس آن همه خستگی که در راه مراقبت از ما تحمل کردند، کجا می‌رود؟! آیا می‌توانیم به آسانی از کنار آن بگذریم؟!

۳. تنگناها و سختی‌هایی را که در معیشت بر خود تحمیل کردند تا ما در گشایش و آسانی

باشیم (وَ أَيْنَ إِقْتَارُهُمَا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ)

هرجا که امکانات محدود بوده، پدران و مادرانمان ما را بر خود مقدم کرده‌اند و خود را در تنگنا قرار داده‌اند، تا ما در آسایش باشیم؛ لقمه را از دهان خود گرفته‌اند تا در دهان ما بگذارند؛ لباس‌های کهنه پوشیده‌اند تا ما لباس نو بپوشیم؛ سرما و گرما را تحمل کرده‌اند تا ما نلرزیم و نسوزیم!



درس پنجم
نیایش ۲۴

رساله حقوق امام سجاد علیه السلام ایثارگری های مادر را این گونه به تصویر می کشد:

أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطِي أَحَدٌ أَحَدًا...؛ حق مادرت این است که بدانی او به گونه ای تو را حمل کرد که هیچ کس تحمل ندارد دیگری را حمل کند و از میوه دلش چیزی را به تو بخشید که هیچ کس به دیگری نمی بخشد و با همه اعضایش از تو محافظت کرد؛ برایش اهمیتی نداشت که گرسنه بماند، تا تو را غذا دهد و تشنگی نکشد، تا تو را سیراب کند و بی لباس شود، تا تو را بپوشاند و زیر آفتاب باشد، تا بر تو سایه افکند و خواب را برای تو رها کند و تو را از گرما و سرما حفظ کند، تا برای او باشی! قطعاً تو نمی توانی سپاس او را بگزاری مگر به یاری و توفیق خدا! (کتاب من لا یحضره الفقیه، ۶۲۱/۲)

آیا می توانیم اکنون آنان را به خاطر برخی از لغزش هایشان پای میز محاکمه بکشانیم؟! پس آن همه ایثار و فداکاری که نثار ما کردند کجا می رود؟!

نکته

این فرازها در عین اینکه وجدان خفته برخی از فرزندان را بیدار می کند، پیامی هم برای پدران و مادران می فرستد تا به یاد آنان آورد که پدران و مادران مسئولیت پذیر:

- زمان زیادی را به پرورش فرزندانشان اختصاص می دهند؛
- در راه حفاظت از فرزندانشان خستگی ناپذیرند؛
- نیازهای معیشتی فرزندانشان را بر نیازهای معیشتی خود مقدم می دارند.

البته روشن است که این مسئولیت ها مربوط به دورانی است که فرزندان تحت سرپرستی آنان قرار دارند و هنوز توانایی استقلال از آنان را به دست نیاورده اند.

■ امکان ندارد!

نکاتی که فراز پیشین به یادمان آورد، فکر انتقام و مقابله به مثل را کاملاً از ذهن های ما پاک کرد. اکنون به انتقام که فکر نمی کنیم هیچ، در این فکر فرو رفته ایم که آیا می توانیم قدمی برای جبران آن همه خوبی که در حق ما روا داشته اند بر داریم؟

اگر در مکتب امام سجاد علیه السلام بالیده باشیم باید از ته دل فریاد بزنیم: «هرگز! شدنی نیست!» (هَيِّهَاتَ)

■ **اولاً:** حق آنان بر گردن ما چنان بزرگ است که هر اندازه هم بکوشیم باز نمی توانیم به شکل کامل آن را ادا کنیم. آنان هرگز حقشان را کامل از ما دریافت نخواهند کرد (مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا)؛



■ **ثانیا:** دست ما کوتاه‌تر از آن است که بتواند به کارهای واجبی برسد که باید برای آنها انجام دهیم (وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا)؛

■ **ثالثا:** وظایف و کارهایی که برای آنان باید انجام دهیم آن قدر زیاد است که هرگز نمی‌توانیم آنها را به انجام برسانیم (وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَةَ خِدْمَتِهِمَا).

در این سه فراز نورانی در حقیقت دو امر را مد نظر قرار می‌دهیم و با هم مقایسه می‌کنیم:

۱. عظمت حقوق پدر و مادر، و فراوانی و دشواری وظایفی که در برابر آن دو داریم؛

۲. توان و امکانات خود؛

با مقایسه این دو در می‌یابیم که توان ما بسی اندک‌تر و محدودتر از آن است که بتوانیم از عهده وظایف خود در قبال والدینمان بر آییم؛ حال باید چه کنیم؟

■ **خدایا، خودت کمک کن!**

اکنون که چنین است، چاره این است که بار دیگر با زمزمه صلوات (فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ) دست‌به‌دامان پروردگاران شویم تا:

۱. از او یاری خواهیم؛ همو که بهترین کسی است که از او یاری خواهند (وَ أَعْنِي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتُعِينَ بِهِ).

او بهترین یاور است چون سرچشمه هر توان و نیرویی در جهان هستی است؛

۲. از او توفیق خواهیم؛ همو که هدایت‌کننده‌ترین کسی است که مشتاقانه از او هدایت خواهند (وَ وَقَفِينِي يَا أَهْدَى مَنْ رُغِبَ إِلَيْهِ).

او برترین هدایت‌کننده است چون آفریدگار و پروردگار هستی است و از همه پیچ‌وخم‌های هستی آگاه است و زمام همه امور به دست اوست. اوست که می‌تواند ما و امور پیرامونمان را به‌گونه‌ای سامان دهد که ما موفق به انجام وظایفمان در برابر پدران و مادرانمان شویم؛

ما برای انجام هر کاری:

■ **اولا:** باید در **درون خود** نیروی کافی داشته باشیم؛

■ **ثانیا:** باید در **برون خود** با شرایطی مناسبی روبه‌رو شویم؛

بر پایه آموزه‌های قرآنی و برهانی، ما در هر دو امر نیازمند خداوند ﷻ هستیم؛ از این روست که:

■ **اولا:** از او استعانت می‌جوییم تا به ما نیروی کافی دهد؛

■ **ثانیا:** از او توفیق می‌طلبیم تا امور پیرامونمان را سامان بخشد.



درس پنجم
نیایش ۲۴

تذکر: ابتدای این فراز با «فاء» آغاز شده است: «فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»؛ به این «فاء»، «فصیحة» گفته می‌شود و کارکردش مترتب کردن جملات پس از آن بر جملات پیشین است. گفته‌اند برای فهم معنای این «فاء» می‌توان این عبارت را جایگزین آن کرد: «إِذَا كَانَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ...؛ حال که امر چنین است...». برای همین، ابتدای این بخش با عبارت «اکنون که چنین است» آغاز شد.

■ اهل العقوق

وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ «تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» پس از اینکه در فراز پیشین از خدا ﷻ یاری و توفیق طلبیدیم، در این فراز خواسته‌ای مهم را به درگاه خداوند ﷻ می‌بریم؛ از او می‌خواهیم در روز قیامت ما را در زمره آزارندگان پدران و مادران (أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ) قرار ندهد؛ روزی که دادگاه عدل الهی بر پا می‌شود و هر شخصی دقیقاً با همان چیزی که در دنیا به دست آورده است، جزا داده می‌شود؛ از این رو هیچ ستمی در آن روز قابل تصور نیست! چه عدالتی بالاتر از اینکه باطن و حقیقت عمل، پاداش یا کیفر انسان باشد؟! این فراز نورانی از باطن خطرناک و آتش‌زای «عقوق والدین» خبر می‌دهد. اگر کسی به پدر و مادرش آزاری برساند، به او «عاق» و به عمل او «عقوق» گفته می‌شود.

عقوق والدین، یکی از گناهان کبیره است و روایات فراوانی در مذمت و آثار شوم آن وارد شده است؛ به عنوان نمونه، به چند روایت از امام صادق ع اشاره می‌کنیم:

- إِنَّ مِنَ الْكَبَائِرِ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ وَالْيَأْسَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَالْأَمْنَ لِمَكْرِ اللَّهِ؛ عقوق والدین، ناامیدی از رحمت الهی و خود را ایمن دانستن از مکر الهی، از جمله گناهان کبیره است. (الکافی، ۲/۲۸۷)
- در حدیث «جنود عقل و جهل»، نیکی به پدر و مادر (بِرِّ الوالدین) از جنود عقل و آزار آنان (العقوق) از جنود جهل شمرده شده است. (الکافی، ۱/۲۲۱)
- لَوْ عَلِمَ اللَّهُ شَيْئاً أَذْنَى مِنْ أَفٍّ لَتَهَى عَنْهُ وَهُوَ مِنْ أَذْنَى الْعُقُوقِ وَمِنَ الْعُقُوقِ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى وَالِدَيْهِ فَيُحَدِّثَ النَّظَرَ إِلَيْهِمَا؛ اگر خدا چیزی پایین‌تر از «أف» سراغ داشت حتماً از آن نهی می‌فرمود! از جمله عقوق این است که شخص در هنگام نگاه، به پدر و مادرش خیره شود (نگاه تند به آنان بدوزد). (الکافی، ۲/۳۴۹)

۱. «أف» کلمه‌ای است در زبان عربی برای نشان دادن کراهت و دل‌زدگی.



مقابله به
مثل؛ هرگز!

رَبِّ اِرْحَمُهُمَا...

۱۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَاخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا

خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُمَّهَاتِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱۳) اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي وَفِي إِفْنٍ مِنْ آثَارِ لَيْلِي وَفِي

سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي.

۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا وَاعْفِرْ لَهُمَا

بِزِيَارَتِي بِمَغْفِرَةٍ حَسَنًا وَارْضُ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضَى عَمَّا وَ

يَلْعَهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ

۱۵) اللَّهُمَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ وَ إِنْ سَبَقَتْ

مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَ

مَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالْمِنَّ الْقَدِيمِ وَأَنْتَ

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

۱۲) معبودا، به محمد و خاندان و فرزندانش توجه مهرورزانه فرما و اختصاص ده پدر و

مادرم را به برترین چیزی که پدران و مادران بندگان مؤمنت را به آن اختصاص داده‌ای؛ ای مهربان‌ترین مهربانان!

۱۳) معبودا، فراموشم مگردان یاد آنان را در پس نمازهایم و در هیچ لحظه‌ای از لحظه‌های

شبم و در هیچ ساعتی از ساعات روزم.

۱۴) معبودا، به محمد و خاندان او توجه مهرورزانه فرما و به خاطر دعای من برای آن دو،

مرا بیامرز و به خاطر نیکی آن دو به من، آن دو را به شکل قطعی بیامرز و به خاطر شفاعت من از آن دو، از آن دو قطعاً راضی شو و آن دو را با کرامت به جایگاه‌های بی‌خطر برسان.

۱۵) معبودا، و اگر آمرزشت به سوی آن دو پیشی گرفت شفاعت آن دو را دربار من بپذیر و

اگر آمرزشت به سوی من پیشی گرفت شفاعت من را دربار آن دو بپذیر تا با مهربانی تو گرد هم آییم در سرای کرامتت و جایگاه آمرزش و مهربانی‌ات؛ همانا تو دارای فضل

بزرگ و نعمت سترگ قدیمی هستی و تو مهربان‌ترین مهربانانی!



پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

عربی	أَفْصَحَ	أَفْضَلَ	أُجَازِي	كَسَبَتْ
فارسی				
فارسی	واجب‌تر	بزرگ‌تر	خستگی	یاری رسان
عربی				

۲. ترجمه کنید.

واژگان	لَا أُدْرِكُ	مَا	يَجِبُ	عَلَى	ي	لَ	هُمَا
ترجمه واژه‌به‌واژه							
ترجمه روان							

۳. مقصود از دو عبارت «أَفْصَحَهُمَا بَعْدَ لٍ» و «أُجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلٍ» چیست؟

۴. اگر بخواهیم کاری انجام دهیم، به طور کلی، به چه اموری نیازمندیم؛ این امور به دست کیست؟

۵. «عقوق والدین» به چه معناست و چه پیامدهایی دارد؟ به چه کسی «عاقی» گفته می‌شود؟

مراجعه و مطالعه

- با مراجعه به «بَابُ الْوَالِدَيْنِ» از جلد دوم کتاب الکافی (ص ۱۵۹)، مقاله‌ای کوتاه درباره اهمیت نیکی به والدین از نگاه معصومان عليهم السلام بنویسید.



برای پاره‌های تن

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَا دُهُ الْبَلَاءُ

نیایش امام علیه السلام برای فرزندان

۱) معبودا، به من نعمتی بزرگ و چشمگیر ده

با ماندن فرزندانم و با اصلاح ایشان برای من
و با برخوردار کردنم از آنها.

۲) معبودا، عمر آنان را برایم طولانی (یا پربركت) کن

و مدت زندگانی‌شان را برایم افزایش ده

و خردسالشان را برایم پیروز

و ناتوانشان را برایم توانمند کن

و بدن‌ها، دین‌ها و اخلاق آنان را برایم درست گردان

و برایم به آنان عافیت بخش، در جان‌شان و اندامشان

و در هر کارشان که بدان اهتمام دارم

و روزی‌هایشان را برایم و به دستم فراوان جاری ساز

۳) و قرار ده آنان را نیکوکار، پرهیزکار، اهل بینش

شنوا و فرمان‌بردار خودت

و دوست‌دار و خیرخواه دوستانت

و ستیزه‌گر و کینه‌توز همه دشمنانت؛ آمین!

۱) اَللّٰهُمَّ وَ مِنْ عَلَيَّ

بِقَبَاءِ وُلْدِي وَ بِاصْلَاحِهِمْ لِي

وَ بِاِمْتَاعِي بِهِمْ

۲) اِلٰهِي اَمُدُّ لِي فِي اَعْمَارِهِمْ

وَ زِدْ لِي فِي اَجَالِهِمْ

وَ رَبِّ لِي صَغِيرُهُمْ

وَ قَوِّ لِي ضَعِيفَهُمْ

وَ اصْحَحْ لِي اَبْدَانَهُمْ وَ اَدْيَانَهُمْ وَ اخْلَافَهُمْ

وَ عَافِهِمْ فِي اَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ

وَ فِي كُلِّ مَا عُنَيْتَ بِهِ مِنْ اَمْرِهِمْ

وَ اَدْرِ رِي وَ عَلَيَّ يَدِي اَرْزَاقَهُمْ

۳) وَ اجْعَلْهُمْ اَبْرَارًا اَتْقِيَاءَ بَصْرَاءَ

سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ

وَ لِاَوْلِيَايِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ

وَ لِجَمِيعِ اَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ آمِينَ

۴ اَللّٰهُمَّ اَشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي

وَ اَقِم بِهِمْ اُودِي

وَ كَثِّر بِهِمْ عَدَدِي

وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي

وَ اَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي

وَ اَكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي

وَ اَعِيْنِي بِهِمْ عَلٰى حَاجَتِي

وَ اجْعَلْهُمْ لِي

مُحِبِّينَ وَ عَلٰى حَدِيْبِيْنَ مُقْبِلِيْنَ

مُسْتَقِيْمِيْنَ لِي مُطِيْعِيْنَ

غَيْرِ عَاصِيْنَ وَ لَا عَاقِيْنَ

وَ لَا مُخَالِفِيْنَ وَ لَا خَاطِئِيْنَ

۵ وَ اَعِيْنِي عَلٰى

تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَاْدِيْبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ

۴ معبودا، بازویم را با آنان نیرومند کن

و کزی امورم را با آنان راست فرما

و شمارم را با آنان افزون کن

و مجلسم را با آنان بیارای

و یادم را با آنان زنده بدار

و در نبودم به واسطه آنان در کارهایم کفایتیم فرما

و برای برآوردن نیازم، با آنان یاری ام نما

و قرار ده آنان را نسبت به من،

دوستدار و مهربان که به من روی آورند

و راست کردار و فرمان بردار

نه نافرمان و آزارنده

و نه مخالف و خطاکار

۵ و مرا یاری کن برای

پرورش، ادب آموزی و نیکی به آنان

نمایی از دعا

فرزندان که نعمت هایی الهی هستند، چه برکاتی برای والدین می توانند به همراه آورند؟

سعادت حقیقی فرزندان در گرو چه اموری است؟

والدین چه وظایفی در قبال فرزندان خود دارند؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

بَقَاءٌ	إِصْلَاحٌ	إِمْتِنَاعٌ	أَمْدُدُ	زِدْ
رَبِّ	قَوِّ	أَصِحَّ	عَافِ	جَوَارِحِ
عُنَيْتُ بِـ	أَدْرِزْ	مُنَاصِحِينَ	أَشْدُدْ	أَوْدَ
زَيَّنْ	أَخِي	حَدِّبِينَ	عَاقِبِينَ	عَوْنًا

شرح واژگان

شرح	معنا	کلمه
ماده «من ن» به معنای نعمت معین و مشخص است. مَنْ، فعل امر است. الْمِنَّةُ، به معنای نعمت سنگین و چشمگیر است. مَنْ فُلَانٌ عَلَيَّ فُلَانٌ؛ یعنی فلانی نعمتی سنگین و چشمگیر به فلانی داد. معنای دیگر این فعل، این است که شخص، نعمتی به دیگری عطا کند و آن را به رخ او بکشد و این همان معنایی است که در فارسی با آن آشنایی داریم، یعنی: منت گذاشتن. در این دعا معنای اول مقصود است.	نعمتی چشمگیر و سنگین به من عطا کن	مَنْ
ماده «عون» بر یاری و پشتیبانی کردن دلالت می‌کند. عَوْنٌ، صفت است و به شخص یا چیزی که پشتیبانی و یاری می‌کند گفته می‌شود.	یاور	عَوْنٌ
ماده «خ ط أ» بر نادرست بودن دلالت می‌کند. خَاطِئٌ، اسم فاعل از ثلاثی مجرد است. خَاطِئٌ، به کسی می‌گویند که کار نادرست را از روی عمد و قصد انجام می‌دهد که تقریباً به معنای گناه کار است.	خطا کار، گناه کار	خَاطِئٌ



درس ششم
نیایش ۲۵

■ خیرخواهان بی پیرایه

آرزوی هر پدر و مادری، سعادت و خوشبختی فرزندان است. آنان فرزندان را پاره‌ای از خود و ادامه وجود خود می‌دانند و از این رو سعادت و خوشبختی آنان را سعادت و خوشبختی خود به شمار می‌آورند و در تمام عمر بدون هیچ تردیدی خالصانه و بی پیرایه برای فرزندانشان تلاش می‌کنند. اما در این میان، امری غم‌انگیز وجود دارد: پدر و مادر کمتر به **معنای خوشبختی و سعادت** می‌اندیشند و در شناخت مصادیق آن بسیار کوتاهی می‌کنند.

این امر افزون بر اینکه باعث سرگردانی خودشان در زندگی می‌شود و به هدر رفتن سرمایه گران قدر عمرشان می‌انجامد، در تعامل با فرزندان نیز اثری منفی به جا می‌گذارد و سعادت و خوشبختی آنان را به خطر می‌اندازد.

عدم درک صحیح از خوشبختی واقعی، باعث می‌شود پدر و مادر تنها به برخی از ابعاد وجودی فرزندان اهتمام ورزند و سایر ابعاد وجودی او را رها کنند؛ به عنوان نمونه، به بهداشت جسمی و رفاه مادی فرزندان توجه ویژه کنند و تمام هم‌وغم خود را صرف آن کنند، ولی به اخلاق و روح فرزند که اصل وجود اوست، کم توجهی یا بی توجهی نشان دهند و ابعاد روحانی زندگی فرزند را به پای ابعاد مادی آن قربانی کنند.

چه نیکوست برای شناخت **سعادت حقیقی فرزندان** و تنظیم دغدغه‌ها و آرزوهایمان برای آنان، پای درس انسانی گران قدر بنشینیم که کلامش از منبع وحی و حقیقت سرچشمه گرفته و جان‌های تشنه‌کامان حقیقت را سیراب می‌کند.

در این نیایش شریف، با نگاه انسانی الهی به فرزندان آشنا می‌شویم و از دغدغه‌های صحیح یک پدر مهربان درباره فرزندان خود و وظایف او و همچنین برکاتی که فرزندان برای والدین خود به همراه می‌آورند، آگاه می‌شویم.

■ فرزند صالح، نعمتی الهی

ای معبود من، از تو می‌خواهم سه نعمت گران سنگ و چشمگیر را درباره فرزندانم به من ارزانی کنی: (اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَيَّ...):

- نخست: آنان را زنده نگه داری (بِقَاءِ وُلْدِي)
- دوم: آنان را برایم اصلاح کنی (بِإِصْلَاحِهِمْ لِي)
- سوم: مرا از آنان بهره مند گردانی (بِإِمْتَاعِي بِهِمْ)



برای
پاره‌های تن

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا
قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

ای پروردگار ما، به ما از همسران و فرزندانمان
آن ده که مایهٔ روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را
پیشوای پرهیزگاران گردان.

فرقان: ۲۴

از این فراز برداشت می‌شود که صلاح فرزندان
پیش از هر چیز، خیرش به والدین می‌رسد؛
از این رو صلاح فرزندان، نعمتی الهی برای
والدین به شمار می‌آید.

گویا عبارت «وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي» برگرفته از قر
آن است: ﴿وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي﴾ (احقاف: ۱۵)
علامه طباطبایی رحمته الله در توضیح این آیه می‌نویسد:
«عبارت **لِي** نشان می‌دهد دعاکننده می‌خواهد

ذریه‌اش به‌گونه‌ای اصلاح شوند که خود او از صلاح آنان بهره‌مند شود؛ یعنی فرزندان در احسان
و نیکی به او کوشا باشند همان‌گونه که او نسبت به والدینش چنین بوده است.» (المیزان، ۲۰۲/۱۸)
به نظر می‌رسد ادامه نیایش، تفصیل این سه خواسته کوتاه باشد.

■ خواسته‌های مشفقانه یک پدر ■

امام علیه السلام در این بخش، امور زیر را از خداوند تعالی درخواست می‌فرماید:

۱. زندگی فرزندانم را برایم پربرکت کن (أَمِدُّ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ)
۲. عمر آنان را برایم زیاد کن (وَ زِدْ لِي فِي أَجَالِهِمْ)
۳. فرزندان خردسالم را برایم پرورش ده (وَ رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ)
۴. فرزندان ناتوانم را برایم توانمند کن (وَ قَوْلِي ضَعِيفَهُمْ)
۵. جسم، دین و اخلاق آنان را برایم درست کن (وَ أَصَحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ)
۶. روح، اندام و هر آنچه را که از آنها بدان توجه دارم برایم عافیت بخش (وَ عَافِيَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنَيْتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ)
۷. روزی آنان را برای من و به دست من فراوان کن (وَ أَدْرِ لِي وَ عَلَيَّ يَدِي أَرْزَاقَهُمْ)

امام سجاد علیه السلام به عنوان پدری دلسوز، افزون بر ابعاد مادی زندگی فرزندان، به اصلاح ابعاد معنوی
آنان نیز توجه ویژه کرده است؛ چراکه ایشان، هم سلامت جسمی، هم سلامت دینی و هم سلامت
اخلاقی فرزندان را از خداوند تعالی درخواست می‌کند.

نکته دیگر، توجه امام علیه السلام به مسائل اقتصادی فرزندان است. ایشان از پروردگار می‌خواهد به
دست ایشان به فرزندان روزی فراوان دهد. فایدهٔ اینکه روزی فرزندان به دست ایشان جاری
شود، به عقیده سید علی خان مدنی رحمته الله دو چیز است: (ریاض السالکین، ۱۰۲/۴)



■ **نخست:** به واسطه آن، اطاعت، محبت و نیکی فرزندان نسبت به ایشان، افزایش پیدا می‌کند. زیرا اگر کسی بداند خداوند ﷻ روزی اش را از طریق شخصی خاص به او می‌رساند، بدون شک آن شخص را دوست و گرامی می‌دارد و در نهایت از او اطاعت می‌کند.

■ **دوم:** این از مصادیق **جریان یافتن خیر به دست ایشان** است. در حدیثی قدسی آمده است: «أَتَى أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا خَلَقْتُ الْخَلْقَ وَخَلَقْتُ الْخَيْرَ وَأَجْرِيئُهُ عَلَى يَدَيَّ مَنْ أَحْبَبْتُ فَوَبَى لِمَنْ أُجْرِيئُهُ عَلَى يَدَيْهِ؛ من آن خدایی هستم که معبودی جز من نیست؛ خیر را آفریدم و آن را به دو دست کسی که دوستش

دارم جاری کردم؛ پس خوشا به حال آن که خیر را به دو دست او جاری کردم.» (المحاسن، ص ۲۸۳)

نکته دیگر اینکه تقریباً در تمام فقرات این فراز، ترکیب «**لی**» («**برای من**») وجود دارد که می‌تواند به دوامر زیر اشاره داشته باشد:

۱. دعایی که پدر برای فرزند می‌کند، همزمان برای پدر نیز هست؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، خیر فرزندان پیش از هر چیز به والدین می‌رسد.

۲. نهایت مهربانی و دلسوزی ایشان را نسبت به فرزندان می‌رساند؛ گویا از آبرو و نزدیکی خود به خداوند ﷻ مایه می‌گذارد و از او می‌خواهد به خاطر ایشان این دعاها را برای فرزندان مستجاب کند.

■ **موجبات سعادت معنوی فرزندان**

اموری که امام ﷺ در اینجا می‌خواهد، در حقیقت اموری هستند که برای سعادت دنیا و آخرت هر انسانی ضروری اند. ایشان از خداوند ﷻ می‌خواهد که فرزندان را چنین قرار دهد:

۱. **وظیفه شناس و نیکوکار (أَبْرَاراً)**

ابرار کسانی هستند که عمل صالح انجام می‌دهند و به وظایف خود در برابر خدا ﷻ، والدین و دیگر مردم عمل می‌کنند (التحقیق، ۲۵۰/۱). آیه ۱۷۷ سوره بقره جلوه‌هایی از رفتار آنان را ترسیم می‌کند. کسانی که به این ویژگی متصف باشند، به راستی که چه نیکوسرناشتی دارند:

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ * تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ * يُسْقُونَ مِنْ

رَحِيقٍ مَخْتُمٍ * خِتَامُهُ مِسْكَ * وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَفَّسْ الْمُتَنَفِّسُونَ * وَ مِرَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ * عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾ (مطففین: ۲۲-۲۸)؛ «ابرار در نعمتی [سترگ] هستند * بر تخت‌های آراسته، [به هرچه

خواهند] می‌نگردند * خرمی نعمت را در چهره‌هاشان می‌شناسی * از شرابی مهر و موم شده نوشانده شوند * که مهر آن مُشک است و برای رسیدن به چنین نعمتی است که رقابت‌کنندگان باید رقابت کنند * و چاشنی آن [شراب] از تسنیم است * همان چشمه‌ای که مقربان از آن می‌نوشند.»



۲. با تقوا و پرهیزگار (اتقياء)

اتقیاء کسانی هستند که از گناهان و معاصی دوری می‌کنند. در واقع تقوا شرطی اساسی است برای اینکه انسان در میان ابرار و نیکوکاران قرار گیرد: ﴿وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى﴾ (بقره: ۲۲-۲۸)؛ برای همین است که گرامی‌ترین افراد نزد خدا ﷻ با تقواترین‌ها هستند: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)

۳. بصیر و آگاه (بصراء)

بصراء جمع بصیر و به معنای شخص عالم و آگاه است. انسان با بصیرت همواره در زندگی، راه درست و صحیح را انتخاب می‌کند. بی‌شک چنین افرادی با آنان که چشمانشان را به روی حقایق می‌بندند و کورکورانه در پی خواسته‌های نفسانی می‌روند، برابر نیستند: ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ﴾ (فاطر: ۱۹)

۴. گوش دهنده و فرمان‌بردار خدا (سامعین مطيعين لك)

همواره گوش به فرمان خدا باشند و در هر امری خواسته او را گردن نهند. خداوند ﷻ این افراد را چنین ستوده است: ﴿أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ لِأَنْفَرِقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رَسُولِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره: ۲۸۵)؛ «این پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده، ایمان دارد و مؤمنان نیز همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگان او ایمان دارند و [با زبان حال می‌گویند]: میان هیچ‌یک از فرستادگان او فرق نمی‌نهییم و گفتند: "شنیدیم و اطاعت کردیم؛ آموزش تو را خواهیم ای پروردگار ما و به سوی توست فرجام"»

۵. دوستدار و خیرخواه اولیای خدا (و لأولیائک محبین مناصحین)

۶. دشمن و متنفر از دشمنان خدا (و لجمیع أعدائک معاذین و مبغضین)

دو روایت نورانی زیر اهمیت این دو خواسته اخیر را روشن می‌کنند:

■ امام صادق علیه السلام: «مَنْ أَوْثَقَ عَزَى الْإِيمَانِ أَنْ تُحِبَّ فِي اللَّهِ وَ تُبْغِضَ فِي اللَّهِ وَ تُعْطَى فِي اللَّهِ وَ تَمْنَعَ فِي اللَّهِ: از محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان این است که در راه خدا دوست داشته باشی و در راه خدا نفرت ورزی و در راه خدا عطا کنی و در راه خدا عطا نکنی!» (الکافی، ۲/۲۲۵)

■ امام محمد باقر علیه السلام: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُحِبُّكَ وَ إِنْ كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ وَ اللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ: وقتی خواستی بدانی آیا در تو خیری هست، به دلت نگاه کن: اگر دلت اهل طاعت خدا را دوست داشت و از اهل معصیت خدا نفرت



داشت، در تو خیر است و خدا دوستت دارد و اگر دلت از اهل طاعت خدا نفرت داشت و اهل معصیت خدا را دوست داشت، در تو خیری نیست و خدا دوستت ندارد. انسان با کسی است که او را دوست دارد!» (الکافی، ۲/۲۷۷)

بنابراین فرزند صالح، فرزندی است که در تمام عرصه‌ها (عرصه عمل، عرصه اعتقاد و عرصه گرایش) صالح باشد. پدر و مادری که در پی سعادت حقیقی فرزندشان هستند و خوشبختی دنیا و آخرت او را خواستارند، باید به همه این امور، توجه داشته باشند و ضمن درخواست یاری از پروردگار، تمام تلاش خود را برای تربیت فرزندانی با آن ویژگی‌ها به کار برند.

■ برکات فرزندان برای پدر و مادر ■

گفته شد که خیر فرزند صالح، پیش از همه به والدینش می‌رسد. امام علیه السلام در این بخش به برخی از این خیرات اشاره و آنها را از خداوند جل جلاله درخواست می‌فرماید:

۱. مرا به واسطه آنان نیرومند کن (اَشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي)

۲. اختلال و نابسامانی اوضاع زندگی‌ام را به واسطه آنان برطرف کن (وَ اَقِمْ بِهِمْ اَوْدِي)

۳. شمارم را به واسطه آنان زیاد کن (وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي)

گروهی که شمار افراد آن زیاد است، از استواری و مقاومت بیشتری برخوردار است و بهتر می‌تواند اهداف خود را پیگیری کند. در روایت‌های فراوانی مؤمنان به ازدواج و بچه آوردن تشویق شده‌اند؛ زیرا با افزایش جمعیت مؤمنان، جامعه توحیدی، قدرت و اقتدار بیشتری می‌یابد و می‌تواند در راه اهداف الهی استوارتر قدم بردارد و در برابر دشمن، ایمنی بیشتری داشته باشد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: «اَطْلُبُوا الْوَلَدَ وَ التَّمِسُوهُ فَإِنَّهُ فَرَّةُ الْعَيْنِ وَ رِيْحَانَةُ الْقَلْبِ؛ فرزند طلب کنید؛ چراکه فرزند، نور چشم و گل خشبوی دل است.» (بحار الأنوار، ۱۰۱/۸۴)

۴. آنان را زینت بخش مجلس من گردان (وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي)

زینت شدن فرزندان، کنایه از این است که آنان آراسته به فضایل و کمالاتی شوند که هر کسی به آنان آراسته شود، زینتی برای حاضران و بینندگان باشد. (ریاض السالکین، ۴/۱۰۵)

۵. یاد من را به واسطه آنان زنده گردان (وَ اَحْيِ بِهِمْ ذِكْرِي)

این قسمت، در بردارنده دو دعاست:

■ فرزندان پس از ایشان باقی بمانند تا یاد ایشان به واسطه آنان زنده بماند.

■ فرزندان، رشد یابند و فضیلت و کمالات کسب کنند تا به واسطه آنان نام حضرت در میان

مردم گسترش پیدا کند. (ریاض السالکین، ۴/۱۰۵)



برای
پاره‌های تن

۶. در غیبتم آنان را جانشین من قرار ده (وَ أَكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي)

۷. به واسطه آنان برای برآورده شدن نیازهایم به من یاری برسان (وَ أَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي)

از امام سجاد علیه السلام روایت شده که فرمود: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وُلْدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ؛

از خوشبختی انسان این است که فرزندانی داشته باشد که از آنها کمک بگیرد.» (الکافی، ۲/۶)

این ها برخی از برکاتی است که خداوند تعالی به واسطه فرزندان صالح، نصیب و الدین می کند.

نکته مهمی که در این فقرات وجود دارد، نگاه توحیدی امام علیه السلام است. ایشان هر چند فرزندان را

واسطه دستیابی به این بهره ها می شمارد، در همه فقرات، مخاطب ایشان خداوند مهربان است.

در نگاه ایشان، فرزندان تنها واسطه هستند و خداوند تعالی بهره رسان حقیقی است.

■ انتظارات والدین از فرزندان ■

پدر و مادر دوست دارند در برابر زحماتی که برای فرزندان خود به جان می خرنند، فرزندان آنها نیز

اموری را در مورد ایشان رعایت کنند. شاید اگر کسی جز امام سجاد علیه السلام این امور را یادآور می شد،

قبول همه آنها سخت جلوه می کرد؛ ولی بیان امام سجاد علیه السلام که جز حق بر زبانش جاری نمی شود،

نشان دهنده این است که این انتظارات، بحق و صحیح است.

امام علیه السلام از خداوند می خواهد که فرزندان نسبت به او چنین ویژگی هایی داشته باشند:

۱. دوست دار من باشند (مُحِبِّينَ)

۲. با من مهربان و دلسوز باشند (وَعَلَىٰ حَدِيثٍ)

۳. مرا مورد توجه و اکرام قرار دهند (مُقْبِلِينَ)

۴. همواره بر جاده راست اطاعت و نیکی نسبت به من قرار داشته باشند (مُسْتَقِيمِينَ لِي)

۵. مطیع و فرمان بردار من باشند (مُطِيعِينَ غَيْرَ عَاصِينَ)

۶. اسباب رنج و ناراحتی مرا فراهم نکنند (وَلَا عَاقِبِينَ)

۷. به مخالفت با من برنخیزند و در مورد من مرتکب گناه نشوند (وَلَا مُخَالِفِينَ وَلَا خَاطِبِينَ)

■ یاری خواستن از خدا برای انجام وظایف نسبت به فرزندان ■

پدر و مادر، مسئولیت سنگینی در برابر فرزندان خود بر عهده دارند و در این باره همواره باید از

خداوند تعالی درخواست یاری کنند. سه وظیفه مهمی که امام علیه السلام در اینجا بدان اشاره فرموده و از

خداوند در مورد آنها درخواست یاری می کند عبارت اند از:



درس ششم
نیایش ۲۵

۱. رشد دادن و به کمال رساندن فرزندان (تَرْبِيَتِهِمْ)

فراهم ساختن و انجام دادن هر آنچه باعث **رشد جسمی، فکری و روحی** فرزندان می‌شود.

۲. ادب کردن فرزندان (تَأْدِيبِهِمْ)

یکی از مهم‌ترین وظایف والدین، ادب کردن فرزندان و یاد دادن اخلاق و آداب اسلامی و معارف الهی است. امیرمؤمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَيِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَيِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ؛ حق فرزند بر پدرش این است که نامی نیکو برای او انتخاب کند و به نیکویی او را ادب کند و به او قرآن بیاموزد.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹) به نظر می‌رسد انتخاب نام نیکو نیز در راستای ادب کردن فرزند است؛ زیرا نام نیکو بر شخصیت فرزند تأثیر نیکو می‌گذارد.

۳. نیکی کردن به فرزندان (بِرِّهِمْ)

برخی از والدین گمان می‌کنند که نیکی کردن، تنها وظیفه فرزندان است و از این نکته مهم غافل‌اند که در روایات نسبت به نیکی کردن به فرزندان نیز توصیه‌های مهمی وجود دارد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَاهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهُمَا مِنْ عَقُوقِهِمَا؛ همان پیامدهایی که عقوق والدین برای فرزند دارد، عقوق فرزندان برای والدین به همراه می‌آورد!» (الکافی، ۴۸/۶)

همچنین نقل شده که شخصی از ایشان پرسید: «به چه کسی نیکی کنم؟» فرمود: «به پدر و

مادرت». آن شخص گفت: «از دنیا رفته‌اند». فرمود: «به فرزندان نیکی کن.» (الکافی، ۴۹/۶)

از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت شده:

مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللهُ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَحَهُ فَرَحَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبْوَيْنِ فَيُكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يُضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَ جُوهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ هر کس فرزندش را ببوسد خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ برای او حسنه‌ای می‌نویسد و هر کس فرزندش را شادمان کند خدا روز قیامت او را شادمان می‌کند و هر کس به فرزندش قرآن بیاموزد، [روز قیامت] والدین را فرا می‌خوانند و دو پارچه بهشتی به آنان می‌پوشانند که از نور آن دو، صورت‌های اهل بهشت نورانی می‌شود.

(الکافی، ۴۹/۶)

اشارت و هدایت

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با مهربانی بوسه‌های خود را نثار حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام می‌فرمود. مردی که آن صحنه را تماشا می‌کرد با حالتی غرور آمیز گفت: «من ده فرزند دارم و هرگز هیچ‌یک از آنان را نبوسیده‌ام!» آن حضرت فرمود: «کسی که مهربانی نمی‌کند با خود او نیز مهربانی نمی‌شود!» در روایتی آمده است رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از گفتار آن مرد چنان خشمگین شد که چهره‌اش برافروخت و به او فرمود: «با تو چه کنم اگر خدا، مهربانی را از دلت کنده باشد؟! هر کس بر خردسال ما مهر نوزد و به بزرگسال ما احترام نگذارد، از ما نیست!» بحار الأنوار، ۲۸۲/۴۳



برای
پاره‌های تن

رواق اندیشه

چرا قرآن کریم فقط جانب پدر و مادر را می‌گیرد؟
بارها بر احسان به والدین تأکید می‌کند ولی یک بار هم از احسان به فرزندان دم نمی‌زند!
آیا این نشانه بی‌اعتنایی اسلام به فرزندان است؟

بی‌شک اسلام به فرزندان بی‌اعتنا نیست. در قرآن کریم آموزه‌های فراوانی وجود دارد که می‌تواند ترسیم‌گر رابطه مطلوب با فرزندان باشد؛ مانند گفت‌وگو لقمان با فرزندش، داستان حضرت یوسف علیه السلام، رابطه ابراهیم علیه السلام با اسماعیل علیه السلام و آیات مختلفی که شیوه ارتباط صحیح با خانواده را بیان می‌کنند.

روایات نیز آکنده است از سفارش به مهرورزی و توجه به فرزندان و نیز تبیین وظایف پدر و مادر در برابر فرزندان. اینجا صرفاً به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بسنده می‌کنیم که در آن عقوق فرزند هم‌ردیف عقوق والدین شمرده شده است:

يَلْزَمُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الْعُقُوقِ لَوْلَدِهِمَا مَا يَلْزَمُ الْوَالِدَ لَهْمَا مِنْ عُقُوقِهِمَا؛ پدر و مادر
بر اثر آزردن فرزند، به همان پیامدهایی دچار می‌شوند که فرزند بر اثر آزردن
والدین دچار می‌شود! (الکافی، ۴۸/۶)

با وجود این، چرا در قرآن کریم فقط بر احسان به والدین مستقیماً تأکید شده است؟
شاید یکی از علت‌های آن این است که به شکل طبیعی غفلت فرزندان بیش از غفلت پدر و مادر رخ می‌دهد؛ به‌ویژه وقتی فرزندان از پدر و مادر خود مستقل می‌شوند و سختی‌های زندگی، آنان را به خود مشغول می‌کند. اما در مقابل، معمولاً عاطفه پدری و مادری به شکل طبیعی پدران و مادران را درگیر نیازهای فرزندان می‌کند و اساساً فرزندان را یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی برای آنها قرار می‌دهد.

دلیل دیگر این است که پدر و مادر برای فرزندان کارهایی کرده‌اند که هرگز فرزندان برای پدر و مادر خود نکرده‌اند و نمی‌توانند بکنند؛ اندکی شبیه رابطه‌ای که همه با پروردگارمان داریم. سپاس‌گزاری از پدر و مادر به‌نوعی تمرین سپاس‌گزاری از پروردگار است. شاید به همین دلیل، سفارش به والدین معمولاً پس از سفارش به توحید در قرآن آمده است:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (اسراء: ۲۳)



درس ششم
نیایش ۲۵

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

عربی	زِدْ	أَوْدُ	عَافٍ	بَقَاءٌ
فارسی				
فارسی	قوی کن	نعمتی بزرگ عطاکن	زنده بدار	خیرخواهان
عربی				

۲. ترجمه کنید.

واژگان	أَصْحَحْ	لِ	ي	أَبْدَانَ	هُمُ	وَ	أَدْيَانَ	هُمُ
ترجمه واژه به واژه								
ترجمه روان								

۳. هر پدر دلسوز خواهان چه اموری برای فرزندان خویش است؟

۴. امام علی(ع) از چه مواردی به عنوان عوامل سعادت معنوی فرزندان یاد می‌کند؟

۵. از نظر امام علی(ع) فرزندان چه برکاتی می‌توانند برای پدر و مادران داشته باشند؟

مراجعه و مطالعه

- در طول تاریخ، همواره انسان‌های شایسته، دغدغه فرزندان خود را داشته‌اند. با مراجعه به آیات قرآن کریم، دعاهایی را که در مورد فرزندان وجود دارد، فهرست کنید و درونمایه آنها را بررسی کنید. (ابراهیم، آیات ۳۵-۴۰؛ احقاف، آیه ۱۵؛ آل عمران، آیه ۳۶ و ۳۸؛ فرقان، آیه ۷۴؛ بقره، آیه ۱۲۸)



برای
پاره‌های تن

به شکرانه بیماری

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَرِضَ أَوْ نَزَلَ بِهِ كَرْبٌ أَوْ بَلِيَّةٌ

نیایش امام علیه السلام آنگاه که بیمار می شد یا به او آندوه یا بلایی می رسید

۱) معبودا، سپاس و ستایش از آن توست به خاطر

سلامتی بدنم که پیوسته در آن به سر می بردم

و سپاس و ستایش از آن توست به خاطر

بیماری ای که اکنون در بدنم پدید آورده ای.

۲) نمی دانم - ای معبود من -

برای کدام یک از این دو حال بیشتر سزاوار سپاسی

و برای کدام یک از این دو زمان بیشتر شایسته ستایشی

۳) آیا برای زمان تندرستی که

در آن، روزی های دل چسبست را برایم گوارا کردی

و با آن برای طلب خشنودی و فضلت نشاطم دادی

و با آن، نیرویم بخشیدی برای

انجام طاعت هایی که برای آنها توفیقم دادی،

۱) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ

مَا لَمْ أَزَلْ أَتَّصِرُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةِ بَدَنِي

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ

مَا أَحَدَّثَتْ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي

۲) فَمَا أَدْرِي يَا إِلَهِي

أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ

وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ

۳) أَوْقْتُ الصَّحَّةِ الَّتِي

هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ

وَنَشَّطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ

وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَيَّ

مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ

﴿٤﴾ أَمْ وَقْتُ الْعَلَّةِ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا

﴿٤﴾ یا برای زمان بیماری که با آن مرا خالص کردی

وَالنَّعَمِ الَّتِي أَتَّحَفْتَنِي بِهَا

و نعمت‌هایی که به سبب آن به من بخشیدی

تَخْفِيفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ

تا گناهانی را که بر پشتم سنگینی می‌کند، سبک کنی

وَتَطْهِيراً لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ

و بدی‌هایی را که در آن فرو رفته‌ام، پاک کنی

وَتَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ

و برای اقدام به توبه بیدارم کنی

وَتَذْكِيراً لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ

و برای زدودن گناه، نعمت دیرینت را به یادم آوری؟

نمایی از دعا

بیماری برای مؤمن چه معنایی دارد؟
آیا بیماری در کنار رنج و سختی‌هایش می‌تواند منشأ برکاتی باشد؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

أَحَقُّ	أَوَّلِي	هَتَأَت
مَحَّصَت	أَتَّحَفَت	ثَقُلَ
رُكِّي	جَارِحَة	صَنِيع

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
عِلَّةٌ	بیماری	ماده «علل» بر امری که بر چیزی وارد می شود و در آن تغییر به وجود می آورد دلالت دارد. یکی از معانی «عِلَّةٌ» بیماری است؛ زیرا با وارد شدن بیماری بر شخص، حال او از قوت به ضعف تغییر می کند.
مَحْضَتٌ	خالص کردی	ماده «مح ص» به معنای خالص کردن است. «مَحْضَتٌ»، فعل ماضی از باب تفعیل است. «مَحَّصٌ» و «مَحَّضٌ» به معنای خالص کردن از عیب هستند. گفته می شود: «مَحَّضْتُ الذَّهَبَ بِالنَّارِ؛ یعنی با آتش طلا را خالص کردم». این فعل به معنای پاک کردن از گناهان نیز به کار می رود: «مَحَّضَ اللَّهُ التَّائِبَ مِنَ الذُّنُوبِ؛ یعنی خداوند توبه کار را از گناهان پاک کرد».
وَفَّقَتْ	توفیق دادی، شرایط را فراهم آوردی	ماده «وف ق» به معنای سازگاری میان دو شیء است. «وَفَّقَتْ» فعل ماضی از باب تفعیل است که در فارسی با استفاده از مصدر آن معنا می شود: «توفیق دادی». وقتی خدا <small>ﷻ</small> برای عملی توفیق می دهد، شرایط درونی و بیرونی ما را برای انجام آن هماهنگ و سازگار می کند.

شرح دعا

بیماری از نگاهی دیگر

اگر از ما بپرسند «معنای بیماری چیست؟»، پاسخ بسیاری از ما چنین است: «بیماری یعنی درد و رنج برای خود و اطرافیان؛ یعنی هزینه های سنگین مالی برای درمان؛ یعنی ناتوانی در پیگیری برنامه ها و آرزوها؛ در یک کلام، یعنی بدبیماری!»

اما در نگاه حکیمان الهی بیماری معنای دیگری دارد؛ آنان با اینکه در حفظ سلامتی خود، ذره ای

کوتاهی نمی کنند، پیشامد بیماری را نه تنها بدبیماری نمی دانند، که آن را از الطاف الهی به شمار می آورند.

نمونه ای شکوهمند از رویارویی یک حکیم الهی با بیماری را، امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجاده به تصویر کشیده است؛ پس بیایید این نگارگری زیبا را به تماشا بنشینیم.

آئینه در آئینه

فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا

وَيَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا

بساکه چیزی برایتان ناخوشایند است
ولی خدا در آن خیری فراوان نهاده است.

نساء : ۱۹



درس هفتم
نیایش ۱۵

■ سلامتی و بیماری دو امر ستودنی ■

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفْ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي
وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخَذْتُ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي

در این فراز کوتاه اشارات و معارف لطیفی وجود دارد:

۱. هر پدیده‌ای در جهان هستی، تنها با اذن خدا ﷻ رخ می‌دهد؛ حتی اموری مانند مصیبت‌ها و بیماری‌ها نیز با اذن الهی و به خواسته او لباس تحقق بر تن می‌کنند؛ از این روست که امام سجاد علیه السلام بیماری خود را فعل خدا ﷻ می‌داند: «مَا أَخَذْتُ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي»
۲. از آنجا که خداوند ﷻ، حکیم مطلق است، هیچ کاری از او صادر نمی‌شود مگر اینکه در پس آن مصلحت و حکمتی نهفته باشد؛ به همین دلیل او همواره و در هر پیشامدی، سزاوار «حمد» است. «حمد»، برای کسی به کار می‌رود که امری زیبا با اختیار و اراده از او صادر شده باشد. آری، در نگاه امام سجاد علیه السلام حتی بیماری پیش آمده نیز زیباست و خداوند ﷻ به خاطر آن سزاوار حمد و ستایش است: «وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخَذْتُ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي»
۳. بیماری، امری عارضی است و بیشتر افراد در بیشتر اوقات از نعمت سلامتی بهره‌مند هستند؛ حتی افرادی که عمری با بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، از جهات متعدد دیگر در سلامتی به سر می‌برند و اگر چنین نبود، هرگز نمی‌توانستند به زندگی خود ادامه دهند.
از این رو امام سجاد علیه السلام :

- درباره سلامتی می‌فرماید: «سلامتی‌ای که پیوسته در آن به سر می‌برده‌ام.» (مَا لَمْ أَزَلْ
أَتَصَرَّفْ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي)

- و درباره بیماری می‌فرماید: «بیماری‌ای که تازه در من پدید آورده‌ای.» (مَا أَخَذْتُ بِي
مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي)

گویا امام علیه السلام اعلام می‌کند پیشامد این بیماری باعث نشده من سلامتی‌ای را که بیشتر اوقات در آن به سر می‌برده‌ام، از یاد ببرم و نعمت‌های گذشته‌تو را نادیده بگیرم و نسبت به آنها قدرناشناس شوم.

بنابراین در نگاه امام سجاد علیه السلام چه در زمان سلامتی و چه در زمان بیماری، خداوند ﷻ سزاوار سپاس و ستایش است. اوج نگاه ایشان را می‌توان در ادامه دید که به محضر الهی عرضه می‌دارد:
«در حیرتم که سلامتی بیشتر سزاوار شکرگزاری است یا بیماری!» (فَمَا أَذْرِي - يَا إِلَهِي - أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ)



■ سلامتی به رنگ خدا

اگر از ما بپرسند «معنای سلامتی چیست؟»، پاسخ بسیاری از ما چنین است: «سلامتی یعنی نبود درد و رنج؛ یعنی هزینه اموال نه برای درمان بلکه برای خواسته‌ها و لذت‌ها؛ یعنی توان پیگیری اهداف و برنامه‌ها.»

اینها درست، اما در نگاه یک حکیم الهی، سلامتی جز در ارتباط با خدا ﷻ معنا نمی‌شود. امام سجاد علیه السلام سه ویژگی برای سلامتی بر می‌شمرد که همه رنگ خدایی دارد:

■ «در سلامتی روزی‌های دل‌چسب خود را برایم گوارا ساختی» (هَنَأْتِنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ) تعبیر «طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ» بسیار لطیف است:

اولاً: تعبیر «رِزْقِكَ» نشان می‌دهد در نگاه انسان‌های الهی بهره‌های مادی، اموری بی‌روح و بریده از عالم معنا نیستند، بلکه روزی و نعمت خدا هستند. این معناست که بهره‌های مادی را برای آنان لذت بخش می‌کند؛ اینکه بر سر سفره خدا نشسته‌اند.

ثانیاً: تعبیر «طَيِّبَاتِ» (جمع «طَيِّب» به معنای دل‌نشین و دل‌چسب) که در حقیقت صفتی برای «رِزْقِكَ» است، نوعی ستایش خدا ﷻ و سپاس از او به خاطر روزی‌های اوست.

ثالثاً: تعبیری قرآنی است و آیه‌های بسیاری را به یادمان می‌آورد؛ از جمله:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (إسراء: ۷۰)

«و ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر نشانیدیم و از خوراکی‌های دل‌چسب روزی‌شان کردیم و آنان را بر بسیاری از کسانی که آفریده‌ایم بسی برتری دادیم.»

■ «با سلامتی، نشاطم دادی تا خشنودی و فضلت را بجویم» (وَنَشَّطْتَنِي بِهَا لِإِيتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ) این تعبیر نیز رنگ و بوی قرآنی دارد و این آیه را به یادمان می‌آورد:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا﴾ (فتح: ۲۹)

«محمد فرستاده خداست و کسانی که با اویند بر کافران سرسخت و در میان خود مهربان‌اند آنان را رکوع‌کنندگان و سجودکنندگانی بینی که فضل و خشنودی خدا را می‌جویند.»

از نگاه الهی امام سجاد علیه السلام، خداوند ﷻ نشاط برخاسته از سلامتی را برای پیگیری و دستیابی به دو هدف به مؤمنان عنایت می‌کند:



درس هفتم
نیایش ۱۵

به راستی امام علیه السلام چه برکت‌هایی در بیماری می‌بیند که بر سر این دوراهی قرار گرفته است؟
 ادامه نیایش پاسخ این پرسش را روشن می‌کند.
 برکت‌هایی را که امام سجاد علیه السلام برای بیماری بر می‌شمرد می‌توان در دو دسته کلی گنجانند:
 ۱. رهایی از ناخالصی‌ها و پاکی از گناهان گذشته
 ۲. پاداش‌ها و الطاف ویژه خداوند تعالی به بیماران
 دسته اول را در این درس و دسته دوم را در درس آینده، مرور خواهیم کرد.

■ رهایی از ناخالصی‌ها و پاکی از گناهان گذشته ■

همان گونه که طلای ناخالص در کوره آتش از ناخالصی‌ها جدا می‌شود، جان آلوده ما نیز در کوره بیماری، از ناخالصی‌ها رها می‌شود (الْعِلَّةُ الَّتِي مَحَصَّتْني بِهَا).
 - چگونه؟

به واسطه نعمت‌های ارزشمندی که خدا تعالی با بیماری به ما می‌دهد (وَ التَّعَمُّمِ الَّتِي اتَّخَفْتِي بِهَا) - آن نعمت‌ها چیست‌اند؟
 به نظر می‌رسد آن نعمت‌ها، همان **دردها و رنج‌های بیماری** هستند؛ دردها و رنج‌هایی که همچون آتش به جان آلوده ما می‌افتند و ناخالصی‌ها را از آن یکی پس از دیگری می‌زدایند!

- این درد و رنج‌ها دقیقاً چه کارکردی دارند؟

۱. سبک شدن بار گناهان

اشارت و هدایت

رسول خدا صلی الله علیه و آله به عیادت سلمان فارسی رضی الله عنه رفت و فرمود: «سلمان، هنگامی که بیمار می‌شوی، سه چیز از جانب خدا تعالی خواهی داشت:
 ۱. خداوند تعالی تو را یاد می‌کند؛
 ۲. دعایت مستجاب می‌شود؛
 ۳. بیماری همه گناهانت را فرو می‌ریزد؛
 خدا تعالی تا پایان عمر عافیت نصیب کند!»

تَخْفِيفًا لِّمَا تَقْلُبُ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ
 در روایت شریفی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:
 «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَمَّ حُمِّيَّ وَاحِدَةً تَنَاءَتَتْ الدُّنُوبُ مِنْهُ كَوَرَقِ الشَّجَرِ؛ زمانی که مؤمن به تیبی گرفتار می‌شود، گناهان او همچون برگ درختان می‌ریزد.» (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۹۲)

(بحار الأنوار، ۱۸۵/۷۸)

گویا خدا تعالی با لطف و کرمش، درد و رنج ناچیز دنیوی را جایگزین عذاب اخروی می‌کند. ارزش این امر را تنها زمانی در می‌یابیم که بند ۳۰ از نیایش ۱۶ را به یاد آوریم:
 «يَا إِلَهِي لَوْ بَكَيْتُ إِلَيْكَ حَتَّى تَسْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنِي...؛ معبود من، اگر آن قدر می‌گریستم که پلک‌هایم می‌افتاد و چنان شدید گریه می‌کردم که صدایم می‌برید و آن قدر برایت می‌ایستادم که پاهایم ورم می‌کرد و آن قدر برایت رکوع می‌کرد که استخوان کمرم از جایش بیرون می‌زد و چندان برایت سجده



می‌کردم که چشمانم از حدقه بیرون می‌آمد و در همه عمر، خاک زمین را می‌خوردم و تا پایان زندگی، آب خاکستر می‌نوشیدم و در این میان، آن قدر تو را ذکر می‌گفتم که زبانم بند می‌آمد و نیز از شرم تو نگاهم را به سوی آفاق آسمان بلند نمی‌کردم، باز سزاوار نبودم که یک گناه از گناهانم محو شود!»

۲. پاک شدن از آثار منفی گناهان (تَطْهِيراً لِمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ)

روح انسان لطیف است و به شدت از گناه تأثیر می‌پذیرد. آلودگی گناه در حقیقت همان آثار منفی‌ای است که گناه بر روح ما از خود باقی می‌گذارد و دستیابی به سعادت را برای ما دشوار می‌کند. بیماری می‌تواند این آثار منفی را از روح ما بزداید. از امام رضا علیه السلام روایت شده: «الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَلَعْنَةٌ وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ؛ بیماری برای مؤمن، پاک شدن و رحمت است و برای کافر عذاب و لعنت؛ بیماری، آن قدر می‌ماند تا اینکه هیچ گناهی بر مؤمن باقی نماند.» (فواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۹۳)

۳. بیداری برای اقدام به توبه (تَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ)

با دو سازوکار زیر، بیماری می‌تواند انسان را برای توبه بیدار کند:

- «شاید بیماری کیفر گناهی باشد که انسان مرتکب شده است.» با یادآوری این نکته، بیمار درصدد توبه بر می‌آید تا از این کیفر رهایی یابد. روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام به این نکته اشاره می‌کند: «خدا هنگام ظاهر شدن گناهان در اعمال بندگانش، آنان را به نقص در میوه‌ها، بی‌برکتی و بسته شدن درهای خیر گرفتار می‌کند تا آنها [توبه کرده]، از اعمال خود دست بردارند و پند گیرند و از آن اعمال ناشایست دوری کنند.» (أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۸۵)
- انسان در سختی‌ها بیشتر به یاد خدا و آخرت، و در نتیجه توبه و بازگشت می‌افتد: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِداً أَوْ قَائِماً» (یونس: ۱۲)؛ «و هرگاه انسان را رنج و گزند رسد، ما را درحالی که به پهلو خفته یا ایستاده، می‌خواند.»

۴. یادآوری نعمت‌های گذشته برای زدودن گناه غفلت (تَذْكِيراً لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ)

انسان تا مبتلا به بیماری نشود، ارزش سلامتی خود را نمی‌فهمد. «الْحَوْبَةُ» به معنای گناه است. مرحوم سیدعلی خان، در معنای این عبارت کلامی دارد با این مضمون: «از طرفی سلامتی نعمت است؛ پس جهل به آن، خطا و ناسپاسی آن است و از طرفی توجه به آن، شکر است و سبب برطرف شدن این جهل می‌شود؛ بنابراین یادآوری این نعمت به واسطه بیماری، سبب پاک شدن این گناه می‌شود که عبارت بود از جهل به نعمت سلامتی.» (ریاض السالکین، ۳/ ۷۲)

بنابراین از نظر ایشان منظور از «الْحَوْبَةُ» در عبارت دعا، **جهل به نعمت سلامتی** است.



رواق اندیشه

با توجه به اینکه این همه برکات در بیماری وجود دارد، به نظر می‌رسد بیماری امر مطلوبی است. مؤید این امر روایتی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. نقل شده ایشان لبخندی زد؛ اصحاب گفتند: «ای رسول خدا، چه شد که لبخند زدید؟» پاسخ داد: «در شگفتم از مؤمن و درد کشیدنش از بیماری! اگر می‌دانست چقدر ثواب در بیماری‌اش برای او وجود دارد، دوست می‌داشت که همواره بیمار بود تا اینکه پروردگارش را ملاقات کند!» (الأمالی (للصدوق)، ص ۴۰۵)

از طرفی روشن است که سلامتی نیز امری مطلوب است. آیا معنای «مطلوبیت سلامتی» و «مطلوبیت بیماری» یکی است؟

گرچه بیماری، برکات و خیرات فراوانی برای شخص بیمار به همراه دارد و از این جهت سزاوار شکرگزاری است، ولی شکی نیست که موضع دین در برابر بیماری، **مبارزه با بیماری** است:

- اولاً: در متون دینی توصیه‌های فراوانی درباره بهداشت و تغذیه وجود دارد که همه در جهت جلوگیری از بیماری و حفظ سلامتی است؛
- ثانیاً: در هیچ دعایی، معصومان علیهم السلام از خدا درخواست بیماری نکرده‌اند بلکه برعکس، همواره از خدا تعالی سلامتی و عافیت خواسته‌اند؛
- ثالثاً: در پایان همین دعا، امام سجاد علیه السلام پس از ذکر این همه فوائد که بر بیماری مترتب است، از خدا تعالی درخواست عافیت و سلامتی کرده، این دو را شیرین و گوارا دانسته است:

«وَأَوْجِدُنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَ أَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ»

بنابراین بر پایه آموزه‌های اسلام، مطلوبیت سلامتی، **ذاتی** و مطلوبیت بیماری، **عرضی** است. جهت‌گیری و برنامه‌ریزی مؤمن باید به سوی سلامتی باشد و این را وظیفه خود بداند؛ البته این را نیز باید بداند که گاه بیماری از سلامتی برای او مفیدتر است و خداوند حکیم از این امر آگاه است. پس اگر خداوند تعالی بیماری برای او مقدر کرد، در عین این‌که در جهت بازیابی سلامتی‌اش می‌کوشد و از خدا تعالی شفا و سلامتی می‌خواهد، باید به قضای الهی راضی و شکرگزار پروردگار مهربان خود باشد.

عاشقم بر مهر و بر قهرش به جدّ ای عجب من عاشق این هر دو ضد



درس هفتم
نیایش ۱۵

پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

عربی	الْحَوِيَّةُ	أَتَحَفَّتْ	عِلَّةٌ	الْمَنْ
فارسی				
فارسی	خالص کردی	گوارا کردی	نشاط دادی	سزاوارتر
عربی				

۲. ترجمه کنید.

واژگان	أَيُّ	الْحَالِيْنَ	أَحَقُّ	بِ	الشُّكْرِ	لَا	كَ
ترجمه واژه به واژه							
ترجمه روان							

۳. از جمله «لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحَدْتَنِي بِهَا مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي» چه نکاتی برداشت می شود؟

۴. سلامتی در نگاه امام سجاد (ع) چه معنایی دارد؟

۵. مقصود از نعمت‌ها، در فراز «وَالنِّعَمَ الَّتِي أَتَحَفَّتَنِي بِهَا» چیست؟ توضیح دهید.

مراجعة و مطالعه

• با مراجعه به کتاب «مفاتیح الحیاة، ص ۳۶۱» آداب مواجهه با بیمار را ذکر کنید.



به شکرانه
بیماری

خنکای سلامت

۵ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ

۵ و در آن میان

مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ

کارهای نیکی است که آن دو فرشته نویسنده برایم نوشته اند؛

مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ

کارهای نیکی که نه دلی به آن اندیشیده

وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ

و نه بر زبانی جاری شده

وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلَّفَتْهُ

و نه اندامی برای آن به زحمت افتاده

بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ

بلکه این همه تنها تفضلی از سوی تو بر من،

وَ إِحْسَانًا مِنْ صَنِيْعِكَ إِلَيَّ

و احسانی از نیکوکاری ات به من است.

۶ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

۶ معبودا، پس به محمد و خاندانش توجه مهرورزانه فرما

وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيْتُ لِي

و آنچه را برایم پسندیده‌ای در نظرم محبوب گردان

وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّتْ لِي

و آنچه را بر من وارد آورده‌ای برایم آسان فرما

وَ ظَهَّرْ لِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ

و مرا از لکه آلودگی آنچه پیش از این کرده‌ام پاک ساز

وَ أَمْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ

و شر آنچه را که پیش فرستاده‌ام از من بزدا

وَ أَوْجِدْ لِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ

و شیرینی عافیت را برایم فراهم آور

وَ أَذِقْ لِي بَرْدَ السَّلَامَةِ

و خنکای سلامت را به من بچشان

وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عَلْتِي إِلَى عَفْوِكَ

وَمُتَحَوِّلِي عَنْ صَرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ

وَخَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ

وَسَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرَجِكَ

۷ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ

الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِمْتِنَانِ

الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ

دُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

و خروج مرا از بیماری ام به سوی بخشایشت

و انتقال مرا از زمین خوردگی ام به سوی گذشتت

و رهایی مرا از اندوه سنگینم به سوی آسایشت

و رستن مرا از این سختی به سوی گشایشت فرار ده؛

که همانا تویی فزونی بخش احسان

عطا بخش نعمت های بزرگ

بسیاربخشنده بزرگوار

صاحب بزرگواری و کرامت.

نمایی از دعا

آیا افزون بر ریزش گناهان، بیماری برکات دیگری برای مؤمنان دارد؟
در بستر نگاه های مؤمنانه امام سجاد علیه السلام به بیماری، چه خواسته هایی می رویند؟

واژگان مهم

• با توجه به متن درس و ترجمه آن، معنای واژگان زیر را بنویسید.

خَلَال	الْكَاتِبَانِ	رُكْبِي	فَكَرَّرَ	جَارِحَةٌ
صَنِيع	حَبَبٌ	يَبْسُرُ	ظَهَرُ	أَسْلَفْتُ
أُمْحٌ	مَخْرَجٌ	صَرْعَةٌ	تَجَاوُزٌ	رُوحٌ

شرح واژگان

کلمه	معنا	شرح
زَكِيٌّ	پاک و طاهر، نیک	ماده «زک و» به معنای پاکی و دوری از آلاینده‌ها است. «زکی»، صفت است. کلمه زکاة نیز از همین ریشه گرفته شده است؛ زیرا با پرداخت زکات، اموال مردم پاک می‌شود. این بشارتی است که فرشته الهی به حضرت مریم <small>عَلَيْهَا السَّلَامُ</small> داد: ﴿قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا﴾
دَنَسٌ	لکه آلودگی، چرک	ماده «دن س» به معنای چرک و لکه حاصل از آلودگی است. «دَنَسِ الثَّوْبِ»؛ یعنی لباس چرکین شد. هنگامی خدشه‌ای بر آبروی کسی وارد آید، گفته می‌شود: «تَدَنَسَ عِرْضُهُ»؛ یعنی آبرویش لکه دار شد. در این نیایش به آلودگی حاصل از گناه که بر روح انسان می‌نشیند، دَنَس اطلاق شده است.
كَرْبٌ	اندوه شدید	ماده «کرب» به معنای شخم‌زدن و زیورورکردن است. «كَرْبُتِ الْأَرْضِ»؛ زمین را برای کشاورزی شخم زد. از آن رو به اندوه سنگین، کرب گفته می‌شود که گویا چنین اندوهی، روح انسان را شخم می‌زند.
رَوْحٌ	آسودگی از رنج	ماده «روح» به معنای گسترده‌گی، گشایش و فراگیری است. هنگامی که انسان از رنج رها می‌شود، گویا از تنگنا به مکانی باز و فراخ می‌رود.

شرح دعا

■ لطفی ویژه به بیماران مؤمن و نیکوکار ■

در بخش‌های پایانی درس گذشته دانستیم که امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ دوگونه برکت برای بیماری بر می‌شمرد. گونه نخست را در درس گذشته شناختیم و اکنون می‌خواهیم گونه دوم را بشناسیم. یکی از **دغدغه‌های مؤمنانه** درباره بیماری این است که هنگام بیماری از کارهای نیک بازمی‌مانیم و نمی‌توانیم برای آخرت خود توشه گرد آوریم. اما از نگاه امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ جایی برای این نگرانی وجود ندارد؛ زیرا ایشان از لطف ویژه خداوند عَلَيْهِ السَّلَامُ به **بیماران مؤمن و نیکوکار** آگاه است؛ لطفی که با این جملات آن را به تصویر می‌کشد:

و فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكِيِّ الْأَعْمَالِ
 مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ وَلَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ وَلَا جَارِحَةٌ تَكَلَّمَتْهُ بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ



■ کار نکرده و پاداش گرفته ■

بر پایه برخی روایات، بیماری به خودی خود اقتضای اجر و پاداشی بیش از پاک شدن از گناهان ندارد. روایت شده امیرمؤمنان علیه السلام به یکی از یارانش چنین فرمود:

خدا بیماری‌ات را سبب ریزش گناهانت قرار دهد. بیماری پاداشی ندارد، ولی گناهان را همچون برگ درختان فرو می‌ریزد. پاداش، تنها برای سخنی است که بر زبان جاری می‌شود و عملی که با دست و پا صورت می‌گیرد. خدا به واسطه نیت صادق و نهاد پاک، هر یک از بندگان را که بخواهد وارد بهشت می‌کند. (نهج البلاغه، حکمت ۴۲)

با این حال، امام سجاد علیه السلام از لطفی ویژه از سوی خداوند سبحانه و تعالی سخن می‌گوید: «در زمان بیماری، دو فرشته مسئول نگارش اعمال، اعمال پاکی را ثبت می‌کنند که نه از فکر گذشته و نه بر زبان جاری شده و نه هیچ‌یک از اعضایم رنج آن را تحمل کرده است؛ بلکه از روی فضل و احسان تو به من است که آن خوبی‌ها را در نامه اعمالم می‌نویسند.»

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است:

يَقُولُ اللَّهُ سبحانه و تعالی لِلْمَلَكِ الْمُؤَكَّلِ بِالْمُؤْمِنِ إِذَا مَرَضَ أَكْتُبُ لَهُ مَا كُنْتَ تَكْتُبُ لَهُ فِي صِحَّتِهِ فَإِنِّي أَنَا الَّذِي صَيَّرْتُهُ فِي حَيَاتِي؛ هنگامی که مؤمن بیمار می‌شود، خدا سبحانه و تعالی به فرشته گماشته بر او می‌گوید: «آنچه را [از اعمال نیکو] که در زمان سلامتی‌اش می‌نوشتی برای او بنویس؛ زیرا من بودم که او را گرفتار بیماری کردم!» (الکافی، ۱۱۳/۳)

از این روایت و دیگر روایات برداشت می‌شود این امر مخصوص کسانی است که در زمان سلامتی **اهل انجام اعمال صالح** بوده‌اند ولی در زمان بیماری از انجام آنها ناتوان شده‌اند.

بر پایه برخی روایات، خدا سبحانه و تعالی نه تنها اعمال صالحی که در حال سلامتی انجام می‌داده‌اند، برای آنان ثبت می‌کند، بلکه بهتر از آن را در نامه اعمال آنان می‌نویسد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُبْتَلى فِي جَسَدِهِ إِلَّا قَالَ اللَّهُ سبحانه و تعالی لِمَلَائِكَتِهِ: اَكْتُبُوا لِعَبْدِي أَفْضَلَ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي صِحَّتِهِ؛ هر مسلمانی که جسمش گرفتار بیماری می‌شود، خداوند سبحانه و تعالی به فرشتگان خود می‌گوید: «برای بنده‌ام برتر از آنچه در سلامتی‌اش انجام می‌داد، بنویسید.» (الأمالی (للطوسي)، ص ۳۸۴)

امر دیگری که سبب اجر و پاداش برای بیمار می‌شود، **صبر و تحمل بیمار و تضرع و دعای او** به درگاه الهی است. روایت شده امیرمؤمنان علیه السلام هنگام عیادت از سلمان فارسی به او فرمود:

هر دردی که به شیعه ما برسد به خاطر گناهی است که از او صادر شده و آن درد سبب پاک شدن او از آن گناه می‌شود.



سلمان گفت: «پس در بیماری، پاداشی جز پاک شدن از گناهان نداریم؟» حضرت فرمود: **يَا سَلْمَانَ إِنَّ لَكُمْ الْأَجْرَ بِالصَّبْرِ عَلَيْهِ وَالتَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ وَالدُّعَاءُ لَهُ بِهِمَا يُكْتَبُ لَكُمْ الْحَسَنَاتُ وَيُزْفَعُ لَكُمْ الدَّرَجَاتُ وَأَمَّا الْوَجَعُ فَهُوَ خَاصَّةٌ تَطْهِيرٌ وَكَفَّارَةٌ؛** سلمان، با صبر بر بیماری و زاری به درگاه الهی و دعا برای برطرف شدن آن، اجر خواهید داشت. به واسطه این دو، برای شما کارهای نیک ثبت می‌شود و درجات شما بالا می‌رود. ولی درد تنها، اثری جز پاک شدن و کفاره بودن ندارد. (طب الأئمة، ص ۱۵)

■ رویش خواسته‌ها

نگاه انسان به هر پدیده‌ای خواسته‌های او را درباره آن شکل می‌دهد؛ بنابراین سزاوار است بپرسیم: «در بستر نگاه‌های زیبای امام سجاد علیه السلام درباره بیماری، چه خواسته‌هایی می‌روید؟» ادامه نیایش، پاسخ این پرسش را روشن می‌کند.

«فاء» در عبارت «اللَّهُمَّ فَضَّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» فاء فصیحة است که به گفته عربی‌دانان برای فهم معنای آن می‌توان این عبارت را جایگزین آن کرد: «حال که چنین است پس...»

گویا امام سجاد علیه السلام این‌گونه نیایش می‌کند: «معبودا، حال که به این حقیقت‌ها درباره بیماری باور دارم، خواسته‌هایی به درگاهت می‌آورم که در رأس آنها این است که به محمد و خاندان او توجه مهرورزانه فرمایی...»

ذکر شریف صلوات در اینجا افزون بر کارکرد همیشگی آن برای استجاب دعاها، لطفی ویژه دارد؛ این صلوات گویا به نوعی قدردانی از خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است که این نگاه‌های زیبا را مرهون آنان هستیم.

■ یک خواسته با دو چهره

ویژگی خواسته‌هایی که در ادامه مطرح می‌شوند این است که هر دو خواسته‌ای که در پی هم می‌آیند، درون مایه بسیار نزدیکی با هم دارند؛ گویا دوروی یک سکه‌اند.

آئینه در آئینه

وَأَبْلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ
وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا
كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

و سرزمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش سر بر می‌آورد، و سرزمینی که ناپاک است گیاهش جز هرزه و تنک بر نمی‌آید.

این چنین، نشانه‌ها را گونه‌گون بیان می‌کنیم برای مردمی که سپاس می‌گزارند.

اعراف: ۵۸



درس هشتم
نیایش ۱۵

این از شیرینی‌های نیایش‌های معصومان علیهم‌السلام است که یک خواسته را با عبارات گوناگون بیان می‌کنند؛ گویا آنان در پی بهانه‌ای هستند که بیشتر با پروردگارشان سخن بگویند. البته نباید فراموش کنیم که هر گلی بویی دارد و هر عبارت نوی پیامی نو به همراه می‌آورد.

خواسته اول: استقبال از آنچه تو برایم خواسته‌ای

دو روی این خواسته را امام سجاد علیه‌السلام این‌گونه نشان می‌دهد:

۱. آنچه برایم پسندیده‌ای، در نظرم محبوب گردان (وَ حَبَبٌ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي)

۲. آنچه بر من فرود آورده‌ای، برایم آسان فرما (وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّتْ بِي)

به نظر می‌رسد مقصود از آسانی، آسانی روانی باشد؛ یعنی در نگاهم آن را امری آسان و ناچیز قرار ده به‌گونه‌ای که آن را به راحتی بپذیرم و با آن کنار بیایم.

درون مایه این دو عبارت این است: «بیماری را برایم محبوب کن چون تو آن را برایم پسندیده‌ای؛ بیماری را برایم آسان کن چون تو آن را بر من فرود آورده‌ای!»

اما چرا باید آنچه خدا برایمان پسندیده و بر ما فرود آورده، در نظرمان محبوب و آسان باشد؟

■ اگر عاشق باشیم، پاسخ روشن است: «هر چه از دوست رسد نیکوست.»

■ اگر عاشق نباشیم، باز هم پاسخ روشن است: «مگر می‌شود خداوند ﷻ چیزی خلاف حکمت و

مصلحت برایمان بخواهد؟!» در بند سوم از نیایش ۳۵ آمده است: «وَ هَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقْرَبِ مَعَهَا بَأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْحَيْرَةِ؛ به من اطمینانی بده که با آن اقرار کنم قضای تو جز بر آنچه برتر است، جاری نمی‌شود.»

خواسته دوم: رهایی از پیامدهای گناهان

دو روی این خواسته را امام سجاد علیه‌السلام این‌گونه نشان می‌دهد:

۱. مرا از آلودگی آنچه پیش تر کرده‌ام پاک ساز (وَ طَهِّرْ نِي مِنْ دَنْسٍ مَا أَشَلَفْتُ)

گناهان جان ما را می‌آلیند و مانع ارتباط ما با عالم معنا می‌شوند؛ درباره باطن قرآن کریم

- که در عالم معنا قرار دارد- آمده است: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعه: ۷۹)

۲. شر آنچه از پیش فرستاده‌ام از من بزدای (وَ امْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ)

در روایات، آثار شوم فراوانی برای گناه ذکر شده است؛ مانند: نزول بلا، کاهش رزق و روزی،

از دست دادن نعمت‌ها، گرفتاری در دست حاکم ستمگر، چیرگی دشمنان، مرگ زودهنگام.

در درس گذشته دانستیم بیماری می‌تواند زمینه پستی و رهایی از شر پیامدهای گناهان را فراهم آورد.



خواسته سوم: عافیت و سلامت

این خواسته شیرین را امام سجاد علیه السلام با دو عبارت به درگاه خداوند تعالی می‌برد:

۱. شیرینی عافیت را برایم فراهم آور (وَ أَوْجِدْنِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ)

«عافیت» به معنای دوری از ناخوشی‌ها و ناگواری‌هاست؛ امری که برای هر انسانی شیرین و دل‌چسب است.

۲. خنکای سلامت را به من بچشان (وَ أَذِقْنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ)

«برد» به معنای خنکی است و در اینجا تعبیری است برای بیان گوارایی و دل‌چسبی؛ چراکه آب گوارا و هوای دل‌چسب معمولاً با خنکی همراه است به‌ویژه در سرزمین‌های گرم حجاز. «سلامت» به معنای رستن و سالم ماندن از آفات است.

اشارت و هدایت

روایت شده روزی پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار مردی گذشت که این‌گونه دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ؛ معبودا، از تو صبر می‌خواهم!»
پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:
«سَأَلْتَ الْبَلَاءَ فَاسْأَلِ اللَّهَ الْعَافِيَةَ؛ بلا خواستی!
از خدا عافیت بخواه.»

معانی الأخبار، ص ۲۳۰

با وجود آن همه خوبی که امام سجاد علیه السلام برای بیماری بر شمرده، اکنون از خداوند تعالی عافیت و سلامت می‌طلبد. این نشان می‌دهد در مقام درخواست و دعا باید همواره از خداوند تعالی سلامت و عافیت بخواهیم و هیچ‌گاه سزاوار نیست در پی بیماری باشیم.
در سایه عافیت و سلامتی است که جامعه اسلامی می‌تواند به رشد و شکوفایی دست یابد.

خواسته چهارم: عفو و گذشت پروردگار

امام سجاد علیه السلام این خواسته را نیز با دو بیان به میان می‌آورد:

۱. خروجم را از بیماری به سوی بخشایشت قرار ده (وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ)

۲. انتقالم را از زمین خوردگی به سوی گذشتت قرار ده (وَ مُتَحَوِّلِي عَنْ صَرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ)

این دو فراز و همچنین دو فراز بعدی تأکیدی بر این نکته‌اند که بیماری حالتی برای ماندن نیست بلکه حالتی برای عبورکردن است. سؤال اینجاست هنگامی که از این حال بیرون می‌آییم به کدام سو می‌رویم؟ امام سجاد علیه السلام در یک تصویرگری زیبا، فرآیند مادی خروج از بیماری را به مقصدی معنوی پیوند می‌زند؛ یعنی عفو و گذشت پروردگار.

این همان امری است که زندگی مؤمنانه همواره با آن آمیخته است. مؤمنان حقیقی همواره در پس فعالیت‌ها یا اتفاقات مادی، در پی انگیزه‌ها و اهداف معنوی هستند.



درس هشتم
نیایش ۱۵

خواستۀ پنجم: آسایش و گشایش

این خواسته نیز با دو عبارت بر زبان مبارک امام سجاد علیه السلام جاری می‌شود:

۱. رهایی مرا از اندوه سنگینم به سوی آسایشت قرار ده (خَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ)
 ۲. رهایی مرا از این سختی به سوی گشایشت قرار ده (سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرَجِكَ)
- در این دو فراز از خداوند تعالی می‌خواهیم، اندوه و سختی کنونی ما را به اندوهی دیگر پیوند نزند بلکه در پس آن آسایش و گشایشی باشد که او به ما هدیه می‌دهد.
- شاید نسبت دادن آسایش و گشایش به پروردگار (رَوْحِكَ و فَرَجِكَ) اشاره به این نکته است: «ما آن آسایش و گشایشی را می‌خواهیم که رنگ و بوی خدایی داشته باشد و در آن اهداف الهی را پی گیریم، نه آسایش و گشایشی که مایه غفلت و دوری ما از پروردگارمان شود.»

■ ستایش پایانی

إِنَّكَ الْمُتَفَضَّلُ بِالْإِحْسَانِ الْمُتَطَوَّلُ بِالْأَمْتِنَانِ الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

این نیایش نیز مانند بسیاری از نیایش‌ها با ستایش پایان می‌پذیرد؛ ستایشی که میوه آن آرامش است برای خود ستایش‌کننده؛ نه ستایش‌شونده که در اوج بی‌نیازی از این ستایش است. تو همان کسی هستی که (إِنَّكَ...):

۱. با احسان و نیکی‌ات به بندگان، به آنان «تَفَضَّلُ» می‌کنی (الْمُتَفَضَّلُ بِالْإِحْسَانِ)؛ یعنی بدون اینکه آنان بر تو حقی داشته باشند، به آنان نیکی می‌کنی. نیکی تو در برابر فایده‌ای که از آنان به تو رسیده باشد نیست.
۲. با بخشیدن نعمت‌های بزرگ به بندگان، به آنان «تَطَوَّلُ» می‌کنی (الْمُتَطَوَّلُ بِالْأَمْتِنَانِ). بر پایه آنچه در معاجم قدیمی آمده است، «تَطَوَّلُ» به همان معنای «تَفَضَّلُ» است.
۳. بسیار هدیه می‌دهی (الْوَهَّابُ)؛ هدیه بخششی است که رایگان به دیگری می‌دهند.
۴. با شرافت، بزرگواری و ارزشمندی (الْكَرِيمُ)؛ نشانه‌اش اینکه به راحتی از خطاهای دیگران می‌گذری و دست بخشنده داری.
۵. در عین اینکه صاحب جلال و عظمت هستی، صاحب اکرام نیز هستی و بندگان را گرامی می‌داری (ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ).

همه این ویژگی‌ها خیال‌مراحت می‌کند که برای برآورده شدن خواسته‌هایم از سوی تو هیچ مانعی وجود ندارد؛ اگر مانعی هست بی‌شک در خود من است.



خنکای سلامت

امام سجاد علیه السلام به ما آموخت همه نیکی‌هایی که خداوند تعالی در بیماری برای ما می‌نویسد، برخاسته از فضل و احسان او به ماست:
«بَلِّ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ»
در برابر این احسان خداوند تعالی ما چه وظیفه‌ای داریم؟

خداوند تعالی در دوآیه از قرآن کریم، پاسخ کلی این پرسش را داده است:

۱. «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانَ» (الرحمن: ۶۰)؛ «آیا پاداش احسان چیزی جز احسان است؟!»
۲. «وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ» (قصص: ۷۷)؛ «و احسان کن همان‌گونه که خدا به تو احسان کرده است.»

بنابراین در برابر احسان خداوند تعالی ما نیز باید احسان به درگاه او ببریم؛ مهم این است که مصادیق احسان را با مراجعه به آیات و روایات درست تشخیص دهیم.
یکی از مصادیق احسان را امام سجاد علیه السلام در آغاز نیایش ۴۴ به ما معرفی کرده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ وَ جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ
وَ لِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ

سپاس و ستایش از آن خداست که ما را به حمدش رهنمون شد و ما را از اهل آن قرار داد تا از شکرگزاران احسان او باشیم و تا در برابر آن به ما پاداش محسنان (نیکوکاران) را بدهد.
بنابراین یکی از بارزترین مصادیق احسان، شکرگزاری در برابر احسان خداست و یکی از راه‌های شکرگزاری، حمد و ستایش پروردگار است. یکی از نیایش‌هایی که می‌تواند ما را در مسیر حمد و ستایش پروردگاری رساند، نیایش اول از صحیفه سجاده‌یه است. البته نباید از یاد ببریم که ما هر چه هم در مسیر حمد و شکر گام برداریم هرگز نمی‌توانیم حق حمد و شکر را به جا آوریم:

اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا...
فَأَشْكُرُ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ... (نیایش ۳۷، بند ۱ و ۳)

معبودا، هیچ کس به پایانی از سپاس تو نمی‌رسد، مگر آنکه از احسان تو چیزی برایش حاصل می‌شود که سپاسی دیگر بر او لازم آید... پس سپاس‌گزارترین بندگان از سپاس تو عاجزند!



پرسش و تمرین

۱. با توجه به متن و ترجمه دعا، واژگان زیر را ترجمه کنید.

عربی	زَكِي	يَبِيْرُ	تَجَاوُزُ	رُوحُ
فارسی				
فارسی	پاک کن	اندام	زمین خوردگی	دو نویسنده
عربی				

۲. ترجمه کنید.

واژگان	اجْعَلْ	مَخْرَجُ	ي	عَنْ	عِلَّةَ	ي	إِلَى	عَفْوِ	كَ
ترجمه واژه به واژه									
ترجمه روان									

۳. چه اموری در بیماری می تواند منشأ ثبت کارهای نیک برای بیمار شود؟

۴. چرا از خداوند ﷻ می خواهیم بیماری پیش آمده را در نظرمان محبوب و آسان کند؟

۵. نسبت «رُوح» و «فَرَج» به خداوند ﷻ می تواند اشاره به چه نکته ای باشد؟

مراجعه و مطالعه

- با مراجعه به کتاب «طب الأئمة ؑ» و نیز کتاب «الکافی» (باب الدعاء للعلل و الأمراض) تعدادی از نیایش هایی را که اهل بیت ؑ برای بیماری های گوناگون آموزش داده اند، انتخاب و درون مایه آنها را بررسی کنید.



خنکای سلامت